

## حیات رقتبار زن و دختر افغان دیروز و امروز

### امید خانه های امن برای زن افغان مسدود نگردد

شرایط حیات اجتماعی و مخصوصاً زندگی زنان و دختران افغانستان را جنگ های طولانی و تغییرات محیطی از مسیر عادی و عنعنوی کاملاً تغییر داد که متأسفانه و بصورت عموم زمینه مشکلات و نا همواری های زیادی را نصیب طبقه انات مملکت نموده است.

هر دوره این جنگ ها از همان آغاز کودتای منحوس ثور و اشغال افغانستان عزیز به کمک و پادرمیانی حزب خیانت پیشه غیر دیمکراتیک خلق ذریعه اتحاد شوروی سابق، تا عصر خونین تنظیم های متجاوز تنظیمی و بعد تر طالبان عقبگرا و حتی ۲۰ سال اشغال قوای امریکا و ناتو، اوضاع و حیات زن مظلوم افغان در هر گوشه ای به وخامت گروید.

در عصر اشغال و بمباردمان های مهلک و تلفات مجاهدین واقعی با جنگ با قوای شوروی، بیشترین زنان تنها مانده و با اطفال به خواری و بیسرنوشتی مبتلا شدند و اکثراً با مشکلات راهی کمپ های پناه گزینان ممالک همسایه گردیدند. این گروه که در مجموع بیشتر از هفت ملیون را در بر میگرفت، بعد از بیشتر از چهار دهه، هنوز قسماً آواره و بی سرنوشتند.

در عصر دهشت آفرین جنگ های داخلی و اقتدار مسعود - ربانی آنچه بر سر زنان افغان متعلق به هر گروه آمد روی صفحات تاریخ سیاه و خونین گردید و حرمت و ترحمی برای زن افغان باقی نماند. حادثه جانخراش و غیر انسانی «قتل عام افشار» در همین عصر با سفاکی «احمد شاه مسعود» و گروه آدم کشان وی در حق ملت مظلوم افغانستان و یکی از اقوام شریف آن به وقوع پیوست. بعد از فرار دولتمندان عصر ربانی، طالبان به نوبه خود و با عبرت از دوره قبلی، زنان و دختران افغان از داکتر تا معلم و از مادر تا همسر و شاگردان انات را در خانه هایشان به خواری و زاری حبس نمودند.

با آزادی نسبی زنان و دختران افغان در ۲۰ سال اخیر و آگاهی به حقوق و قوانین مطروحه، اوضاع اجتماعی در شهر ها رنگ بهتری گردید، ولی علی الرغم اوراق قانون اساسی، نه دختر فروشی تغییر نمود و نه مظالم و شکنجه فامیل ها بر زنان بینوا که مؤسسات خیریه بین مللی راپور پشت

راپور از ازدیاد خشونت ها و مشکلات قشر سیاه روز اجتماع افغانی به نشر میرسانیدند. درین عصر هم نه بازخواستی در مراکز ولایات و اطراف کشور صورت گرفت و نه مجازاتی. درین عصر با خشونت ها قشر جدیدی از زنان جوان بمیان آمدند که با فرار از مظالم شوهر و فامیل و آنانیکه در محابس به انتظار محکمه ای که هر گز صورت نمی گرفت، با فرزندان خردسال بسر میبردند، روزگار سیاه و با بیسرنوشتی آمیخته به نومییدی را تجربه می نمودند. به تدریج برای نجات این سیه روزان قربانی اجتماع منحرف، تشکیلاتی به نام «خانه های امن» در بعضی از شهر ها به وجود آمد که زنان سرگردان را که حتی فامیل های شان پناه نمیداند، جذب می نمودند.



اتفاقاً موجودیت خانه های امن قدم مثبتی برای یک حل نسبی این قشر مظلوم شمرده میشد که به کمک مؤسسات خیریه و اعانه هموعان با تنظیم شرایط و حمایت زنان و حتی امکانات تعلیم و تحصیل، آینده ای برای زنان فراهم میگردد و شرایط کار هم میسر میشد.

اخیراً با اشغال کابل توسط طالبان و تغییرات بنیادی که بیشترین آن خشکسالی، قحطی مفرط مواد غذایی و تهدید به گرسنگی در سر تا سر کشور، رکود فعالیت بانک ها و در مجموع سقوط اقتصاد و امور مالی باشد، وضع اسفناکی ملت افغانستان را در بر گرفته است. فروش جگرگوشگان خردسال دختر در بدل پولی که برای خانواده تا چندی قوت لایموت فراهم نماید بصورت وسیع رایج گردیده و مطبوعات و فضای مجازی با مناظر رقتباری از چنین حوادث مملو شده است. بیکاری و قطع معاشات و درآمد بصورت عموم به این خطرات دامن میزند.

در سطور آخر، مختصری از اوضاع دختران و زنانی که در «خانه های امن» به دلایل مختلفه پناه گرفته اند و حال با تغییر اوضاع گفته میشود که با جنجال هایی روبروگشته اند به ارتباط راپوری از سایت «بی بی سی» می پردازیم.

سرنوشت خانه های امن زنان پس از تسلط طالبان بر افغانستان:

در جامعه عمیقاً محافظه کار و قبیله یی افغانستان، زنان چه تحت حاکمیت طالبان و یا سایر حکومتات، اکثراً با سنت های کهن روبرو بوده و منحیث عزت و ناموس خانواده پنداشته می شوند. بر اساس قانون جزای افغانستان روابط نامشروع و فرار از خانه جرم محسوب نمی شود، اما صدها زن به دلیل ارتکاب چنین جرایم زندانی شده اند. حتا بعضاً انتخاب همسر دلخواه می تواند به سادگی به مرگ زنان و دختران بیانجامد.

طالبان پس از مسلط شدن بر افغانستان، دروازه های زندان ها را باز کرده و تمام مردان و زنان زندانی را رها کردند، اما زنانی که در اماکنی موسوم به خانه های امن بسر می بردند، آزاد نشده و حالا به زندان ها انتقال داده شده اند.

عبدالله، مسوول یکی از زندان های حکومت طالبان می گوید که وقتی در ۱۵ ماه اگست طالبان وارد کابل شدند، هزاران مرد و ۷۶۰ زن را به همراه کودکان شان از زندان ها آزاد کردند. او همچنان افزود که نزدیک به دو صد زن آزاد شده وابسته به گروه داعش بوده یا با اعضای آن ازدواج کرده بودند. افزون برآن، طالبان شماری از زنان را به تازگی به اتهام جرایم اخلاقی بازداشت و اکثر شان را به زندان پلچرخ منتقل کرده اند.

مژده که فقط پانزده روز پیش در زندان صاحب فرزند دختر شد به خبرگزاری اسوشیتدپرس گفت که در جستجوی آزادی خود بود اما او و دوست پسرش که در همین زندان نگهداری می شود، توسط طالبان دستگیر شدند.

مژده می گوید که خانواده اش اجازه ازدواج با دوست پسرش را نداد و در عوض او را با یکی از اقارب شان مجبور به ازدواج کردند. او می گوید که در پی این تصمیم اجباری خانواده، از خانه فرار کرد و به دوست پسرش پیوست. پس از آن خانواده او به طالبان شکایت کرد و هردو در کابل توقیف شدند.

شماری از زنان که حالا در زندان استند، قبل از تسلط طالبان بر افغانستان در خانه های امن زندگی می کردند، زیرا از وحشت های گوناگون و خشونت خانوادگی فرار کرده بودند.

در جامعه مردسالار افغانستان همیشه به این خانه های امن با دید شک و تردید دیده می شد و یک ماه پیش وقتی طالبان بر این کشور مسلط شدند، بسیاری از این خانه های امن بسته شدند. طالبان در یکی از خانه های امن که از سوی هیچ نهادی حمایت نمی شود به زنان گفته اند که اگر نمی خواهند به خانه های خود برگردند، می توانند در یک زندان در کابل زندگی کنند. یکی از بانوان زندانی که نمی خواست در مقابل کمره صحبت کند به اسوشیتدپرس گفت که بدون پول و مسکن، بودن در زندان به عوض زندگی با همسر معتاد و خشن اش، گزینه بهتریست.

پایان

[Dawatmedia۲۴.com](http://Dawatmedia۲۴.com)